

پیروی از قرآن

جلد دوم

آبہ ۱۴۵ تا آخر سورہ

سید محمود طالقانی

www.KetabFarsi.com

سید محمود طالقانی

پرتوی از قرآن

((جلد دوم))

از آیه ۱۳۵ تا آخر سوره بقره

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

فشرده‌ای از مضمون آیاتیکه در این جزء آمده

از آیه ۱۴۵ تا ۱۵۱ : بینایی و انتظار رسول خدا برای تغییر قیله ، فرمان به روی آوردن سوی مسجدالحرام و گسترش این قیله بهمه جا و در هر حال . اهل کتاب این قیله را حق میدانند و بقیله خود تعصب می‌ورزند . با علم باین حقیقت ، نباید از هواهای آنان پیروی شود . اهل کتاب او را با همه اوصافش میشناسند و فرقه‌ای کتمان میکنند . هر ملت و گروهی را جہتی است که بار اده خدا بآن سوی میگردند . پس در مسابقه برای خیر همه کوشا باشید . در هر وضعیکه باشید بسوی مسجدالحرام روی آرید تا هیچ احتجاجی بر شما نباشد و برای آنکه نعمت تکمیل شود .
صفحه ۱۶ تا ۱۷

از آیه ۱۵۳ تا ۱۵۹ : تکمیل قیله و جهنگیری بسوی آن ملازم تکمیل نبوتی است که مبعوث شده تا بر شما همی آیات او را بخواند و شمارا تزکیه کند و تسلیم دهد آنچه را خود نمیدانستید . پس باید این نعمت را سپاس گذارید و بیاد خدا باشید تا نعمتش کامل تر گردد . در این جهنگیری و جنبه بندی باید از صبر و صلوات نیرو گیرید و کلمه مرگ را درباره شهداء بزبان نیاورید و آنها را زنده شکوهمند بدانید . باید با ترس و گرسنگی و کم و کاست مال و جان ، آزمایش شوید تا بردباران پایدار ، با چهره بشارت یابان نمودار شوند . همانها که هنگام برخورد مصائب هشیارانه خود را برای خدا و بسوی خدا مینگرند . اینها مشمول درودها و رحمت پروردگار و هدایت یافتگانند . صفا و مروء از شمار الهی است پس آنکه بحج یا عمره روی می‌آورد در آن طواف کند و هر چه بیشتر خود را برای انجام خیر و پذیرش آماده نماید .
صفحه ۱۶ تا ۱۷

از آیه ۱۶۰ تا ۱۶۵ : آنها که بینات نازل شده و هدایت را کتمان کنند رانده خدا و خلقتند و اگر توبه و اصلاح و بیان کنند خدا از آنها میکند و اگر بحال کفر مردند برای همیشه رانده خدا و فرشتگان و مردم میشوند و عذابان سبک نمیشود . خداوند شما ، یکویگانه است . همانکه سرچشمه رحمت میباشد . آفرینش آسمان و زمین و اختلاف شب و روز و بارانی را که میباراند تا زمین را زنده گرداند و پدیدهای زنده‌ایکه پراکنده نموده

و بادهائی را که به رسو میگرداند و ابرهای مسخر شده در فضا ... اینها با پیوستگی و نظامی که دارند - همه آیات توحیدند .

از آیه ۱۶۶ تا ۱۷۳ : برخی مردم کوتاه اندیش برای خدا ماندهائی میگیرند که با آنان پیوند دوستی بندند. آنها که ایمان دارند پیوند محبتشان بخدا شدیدتر و پایدارتر است. روزی میرسد که ستمپیشگان بتتراش بنگرند که همه نیروها از آن خداست همانکه، عذابش بس سخت است. آنگاه است که متبوعها از تابعتها تبری جویند و عذابرا بچشم ببینند و هرگونه سبب و رابطه ای میان آنان قطع شود. و تابین آرزوی بر گشت نمایند تا از متبوعهای خود تبری جویند اینگونه کارهایشان حسرتها و عذابها آورد که هیچ از آن بیرون نیابند. مردم همگی باید از آنچه در زمین پاکیزه و حلال گشته بخورند و بهره مند شوند و پیروی از گامهای شیطان نکنند چه او دشمنی است آشکار . این همان شیطان است که ببدی و زشتی و امیدارد تا آنجا که بخدا نسبت دهید آنچه خود نمیدانید. چون به پیروان شیطان گفته شود که از آنچه خدا نازل فرموده پیروی کنید گویند از آنچه پدران ما بر آن بودند پیروی داریم با آنکه پدرانشان نه تعقل داشتند و نه هدایت . داستان این چشم و گوش بستگان بی عقل، چون حیوانهائیست که جز خواندنی و فریادی نمیشنوند .

صفحه ۳۵ تا ۴۴

از آیه ۱۷۳ تا ۱۷۸ : مؤمنان که فقط خدا را می پرستند باید از روزیهای پاکیزه برخوردار باشند و خدا را سپاسگذارند و بدانند که آنچه تحریم شده میته است و گوشت خوک و آنچه بنام غیر خدا ذبح شده مگر آنکه مضطر شوند و تاحدی . آنها که احکام خدا را برای اندک بهره ای کتمان میکنند ، در واقع با همه شکم آتش میخورند و خدا در روز رستاخیزه با آنان سخنی نمیگوید و تزکیه شان نمیکند و غذایی بس دردناک دارند اینها گمراهی را بعوض هدایت و عذاب را بعوض مغفرت میخورند و عذابشان بس توان فرسا است. چون خدا کتابرا بحق نازل کرده و آنها که درباره کتاب اختلاف پیش می آورند خود در حال جدائی با دیگران بسر میبرند. همه نیکی همین نیست که روی بمهرق آورید یا بسوی مغرب . نیکی و نیک فزائی را کسی دارد که بخدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب و پیمبران ایمان آورده و مالرا بخویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و برای آزادی گردنها بذل کند و نماز را پیادارد و زکات دهد و ببهد و فاکند و در سختیها و زیانها و در میان کارزار بردبار باشد اینها مردان راستین و متقین هستند .

صفحه ۴۴ تا ۵۲

از آیه ۱۷۹ تا ۱۸۶ : این حکم قطعی است که چون قتل پیش آید قصاص میباید . قاتل هر که و مقتول هر که باشد : آزاد یا بنده، مرد یا زن. اگر همبستگی ایمانی و عاطفه برادری به عنو کشاند، باید دیه ای در حد عرف و اخسان پرداخته شود این از جهت رحمت ربوبی است، مگر آنکه جنایت تکرار شود . قصاص بسود همه و خود منشأ حیات است. وصیت در هنگام مرگ واجب است، برای والدین و خویشان و حقیقت بر متقین . همینکه وصیت ضبط و ثبت گردید ، دیگری نباید آنرا تبدیل کند و اگر از وصیت کننده نظر ناروا و تجاوز بعقی احساس شد باید اصلاح شود . روزه واجبی سر نوشت شده است آنچنانکه

بر پیشینیان واجب بوده . باید در روزهای شمرده و مشخصی انجام گیرد و اگر در آن روزها کسی بیمار و یا مسافر بود در روزهای دیگر انجام دهد و کسانی که توان آنرا ندارند فدیة دهند یا اندازه سیر کردن بینوائی، و هر چه اطاعت بیشتر خیرش فزونتر میشود . و روزه داری خیر و منافع خیر است . ماه رمضان ماهیست که در آن قرآن نازل شده که هدایت برای همه و مبین و فارق است . پس آنکه این ماه را دریابد باید در آن روزه بدارد مگر آنکه بیمار و یا مسافر باشد . باید بخواست خدا که سختی نخواست، روزه ها را در آن روزها تکمیل کنید و خدا را بزرگی یاد کنید و سپاسگزار شوید **صفحه ۵۲ تا ۶۶**

از آیه ۱۸۷ تا ۱۹۰ : آن بندگان جوینده که مرا جویند باید بدانند که من نزدیکم و بخواهان خود که همین من را خواهند روی اجابت مینمایم پس هر چه بیشتر فرمان پذیر و اجابت کننده من باشند و بمن ایمان آرند تا بر شد گرایند . در شب روزه آمیزش باذن خود حلال شده چه آنها پوشند برای شما و شما برای آنان . و اگر حلال نبود خود را دچار و خیانت میکردید . خدا از شما در گذشت و توبه شما را پذیرفت . پس با آنان در آمیزید و آنچه خدا سر نوشت کرده بجوید . و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سپیده دم از سیاهی شب جدا و طالع شود . سپس روزه را تا آغاز تاریکی شب پایان رسانید . و در هنگام اعتکاف در مساجد با زن در نیامیزید اینها حدود خداست که بیان شده بآن نزدیک نهوید تا شاید راه تقوا پیش گیرید . اموالیکه باید در میان شما باشد بیاطل نخورید و آنها را بسوی جاه حکام سرازیر نکنید تا قسمتی از اموال مردم را بستم و گناه بخورند . از هلالها میپرسند بگو برای تشخیص اوقات مردم و زمان حج است . نیکی آن نیست که از پشت وارد خانه شوید نیکی ، تقواست و باید از درها وارد خانه ها شوید شاید رستگار شوید . **صفحه ۶۶ تا ۷۸**

از آیه ۱۹۱ تا ۲۰۰ : فرمان جهاد فی سبیل الله - در راه آزادی انسانها از قیود بندهای عادات و قوانین بشری و تشخیص و تحقق احکام الهی - جنگ با آنها که با مؤمنان بحق ، سر جنگ دارند . مؤمنان در این جهاد مقدس نباید از حق تجاوز کنند چون خدا با تجاوز گران دوستی و همکاری ندارد . باید آنها را که فتنه جویند و سر جنگ دارند ، در هر جا پایه گرفتند و در دسترس بودند کشت و بیرون راند همانسان که آنها مؤمنان را بیرون راندند ، چه آشوبگری زیانش سخت تر از کشتار است و نباید در حریم مسجد الحرام دست بکشتار آنان گشود مگر آنکه آنها دست بکشتار مسلمانان گشایند پس باید آنها را کشت و همین پاداش کفر کیشان است . و اگر آنها از جنگ باز ایستند باید مسلمانان هم از جنگ و خشونت باز ایستند و صفات غفور و رحیم خدا را بنمایانند . تا آنجا مسلمانان در جنگ و کشتار پیش میروند که فتنه از میان برداشته شود و حاکمیت خدا و دین او پایه گیرد . این جنگ تنها در برابر ستمکاران است . کار زار شما در ماه حرام در برابر کارزار آنان در ماه حرام است و حرمتها و حریمها قصاص دارد پس هر که بر شما دست تجاوز گشاید شما هم قصاص کنید در حد تجاوز آنها و از خدا پروا گیرید و بدانید که خدا یار منقین است . و انفاق کنید در راه خدا و با خود داری از انفاق خود را بدست خود بهلاکت نیاندازید و احسان کنید چنانچه خدا دوستدار احسان کنندگان است . حج و عمره را برای خدا بکمال و تمام رسانید و اگر محصور شدید تا آنجا که بتوانید و

امکان داشته باشید قربانی کنید و سرهای خود را نتراشید تا قربانی شما بجائی که باید برسد و اگر کسی در اینحال بیمار یا آزاری در سرش بود باید قدیه دهد - از روزه یا صدقه یا قربانی - و در حال امنیت و بازبودن راه حج، آنانکه بسبب عمره تا آغاز حج تمتع نیابند، آنچه را از قربانی که توانند انجام دهند و آنها که قربانی نیابند باید سه روز روزه در ایام حج و هفت روز پس از بازگشت بدارد تا ده روز روزه کامل شود این حکم برای آنانستکه خانه و وطن در مسجد الحرام ندارند. حج در ماههای معین است و آنکه در این ماهها آهنگ حج نماید باید از آمیزش با زن و گناهکاری و سبزی برکنار شود و هرچه میتواند از خیر توشه بگیرد. و بهترین توشهها تقوا است و خردمندان باید از خدا پروا گیرند و در حج هرچه میتوانند فضل پروردگار را دریابند و همینکه از عرفات کوچ نمودند در مشعر الحرام خدا را بیاد آرند همانسان که هدایت نموده، و پیش از آن گمراهی بود. سپس باید یکباره و باهم از همانجا که همه کوچ میکنند کوچ کنند و آمرزش جویند.

از صفحه ۷۸ تا ۹۴

از آیه ۴۰۹ تا ۴۱۱ : خداپرستان احرام بسته، همینکه مناسک خود را انجام دادند باید با آگاهی خدا را بیاد آرند چونانکه پدران خود را بیاد دارند و یا پیش از آن در آن پیشگاه، برخی مردم از پروردگارشان همین بهره دنیا جویند و در آخرت بهره‌ای ندارند و گروهی بهره نیک دنیا و آخرت و سیانت از عذاب خواهند. اینها نصیبی از کار و فرآورده خود دارند و حساب کارشانرا خدا میرسد. و باید خدا را در روزهای شمرده شده، بیاد آرند و هر که در آنروزها پیشی گیرد و یا تأخیر کند گناهی بروی نیست اگر در نگهداری حدود پروا گیرد و چشم بخدا و حشر بسوی او داشته باشد. بعضی مردمند که سخنانشان درباره دنیا شکفت انگیز و فریبنده است و خدا را گواه میاورد تا خلق باور کنند که اندیشه‌ای جز خیر و احسان ندارد، با آنکه کینه جو و دشمن خلق است. و همینکه زمامداری یافت کوشش همین است که در زمین فساد کند و کشت و نسل را از میان بردارد با آنکه خدا فساد را دوست ندارد، چون این طاغی ستم‌پیشه بچیزی جز بسط قدرت خود نمی‌اندیشد. و چون کسی بخواهد پندش دهد و از خدا و عاقبت کارش بیمناکش کند، بر طغیانش افزوده می‌شود. همین دوزخی که برایش فراهم شده و بسوی آن پیش میرود او را بس در مقابل آن طاغی، مردمی هستند که جان خود را در برابر خرید خوشنودی خدا می‌فروشند. اینها نمودار و مجرای رأفت خدایند و خدا به بندگان رؤف است. گروندگان بحق باید آگاهانه به محیط سلم و سلامتی در آیند و از گامهای شیطان که رویش نهان و دشمنیش آشکار است پیروی نکنند و اگر پس از آمدن و دریافت بینات لغزیدند خدای عزیز و حکیم در نمیگذرد. پس از این آیات روشنگر، دیگر جهان‌انتظار دارند؛ جز آنکه کار جهان پایان رسد و امر خدا در سایه‌ای از ابرها و غبار طبیعت، روی آرد و همچنین فرشتگان همه بسوی او بازگردند.

از صفحه ۹۴ تا ۱۰۵

از آیه ۴۱۴ تا ۴۱۷ : از بنی اسرائیل باید پرسش شود که چه آیات روشنگری به آنان داده شده و ناسپاسی نمودند و آیات را دگرگون ساختند. و هر که چنین نماید دچار عذابی شدید می‌شود. برای آنان که روی از حق گردانده و کافر شدند، زندگی دنیا آرایش یافته و

همی مسخره کنند بآنان که ایمان آورده اند و کسانی که تقوا گزینند در روز قیامت برتری دارند و خدا بحسب مشیت خود هر که را خواهد بی حساب روزی دهد . مردم امت یگانه بودند . پس از آن خداوند پیمبران را با ابشار و انذار برانگیخت و با آنان کتاب را بحق نازل فرمود تا در میان مردم حکومت کند درباره آنچه اختلاف نمودند . اختلاف را همانها پیش آوردند که کتاب و بینات بآنان داده شد . منشا این اختلاف ستیز گری بود که در میان خویش آوردند . پس از آن خداوند باذن خود ، مؤمنین بحق را رهبری فرمود . مشیت خدا چنین است که هر که را بخواهد براه راست هدایت مینماید . گمانی نابجا است که به بهشت در آئید با آنکه داستان هراس انگیز پیشینیان برای شما پیش نیامده ؛ همانها که آنچنان سختی و زیان بآنها رسید و منزلزل شدند که پیمبر و مؤمنان باو ، گفتند کی یاری خدا میرسد؟! آگاه باشید که یاری خدا بس نزدیک است . می پرسندت که چه باید انفاق کنند ؟ بگو هر چه و از هر چیزی انفاق کنید برای پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است و هر چه انفاق کنید خدا میداند . جهاد بر شما سرنوشت شده است با آنکه خوش آیند شما نیست چه بسا چیز را خوش ندارید با آنکه برای شما خیر است و چه بسا چیز را خوش دارید و آن برای شما شر است و خدا میداند و شما نمیدانید .

از صفحه ۱۰۵ تا ۱۱۷

در آیه ۳۱۸ تا ۳۲۴ : جنگ در ماه حرام گناهی بزرگ و بازداشت از راه خدا و کفر بآن و به مسجد الحرام است و اخراج اهل مسجد الحرام از آن گناهی بزرگتر است در پیشگاه خدا و گناه فتنه بزرگتر است از کشتار . و آنها باشما پیوسته می جنگند تا هر چه توانند شمارا از دینتان برگردانند . و از شما هر که از دین خود برگردد و در حال کفر بمیرد ، اعمالش در دنیا و آخرت نابود می شود و همینها همراه آتش و در آن جاودانند . آنهایی چشم امید بر رحمت خدا دارند که ایمان آورده اند و همانها که هجرت گزیدند و در راه خدا جهاد نمودند . درباره شراب و قمار ؛ بگو در آن دو ، گناهی بزرگ است و سودهای پراکنده ای دارد و گناه آن دو ، از سودشان بس بزرگتر می باشد . درباره آنچه باید انفاق کنند ؛ بگو گذشت را اینگونه خدا آیاتش را تبیین مینماید تا شاید بیاندیشید ، چه در امور دنیا و چه آخرت . درباره یتیمان ؛ بگو بهتر همانکه به اصلاحشان کوشید و اگر آنانرا بازندگی خود در آید بختید برادران شما بوند و خدا مفسد را از مصلح باز می شناسد و اگر خواهد شما را در باره مسئولیت یتیمان دچار دشواری میکند چون همان خدا عزیز و حکیم است . زبان مشرک تا ایمان نیاورده اند بهمسریشان نگیرید چه يك كنيز ، بهتر و برتر است از زن مشرک گرچه فریفته آن شوید . به مرد مشرک هم زن ندهید تا ایمان آورد چه يك بنده مؤمن برتر است از مشرک گرچه فریفته اش شوید . مشرکان بسوی آتش میخوانند و خدا به سوی بهشت و آمرزش و آیات خود را برای مردم تبیین مینماید تا شاید آگاهی یابند . درباره حیض ؛ بگو آزار نیست پس در حال حیض از زنان کنار بگیرید و بآنها نزدیک نشوید تا پاک شوند و چون پاک شدند ، انسان که خدا دستور داده بآنان روی آید ، خدا توبه کاران و پاکیزگان را دوست میدارد . زنان شما برای شما کشتزارند بکشتزار خود روی آید . آنگونه که حوا عید و برای خود پیش فرستید و از خدا پروا بایید و بدانید که او را

ملاقات کنند، باید و مؤمنان را بشارت است .
 از آیه ۲۲۵ تا ۲۳۳ : نباید خدا را در معرض سوگندهای خود قرار دهید بجای آنکه نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم را پیش گیرید و بخدای بس شنوا و دانا آگاه باشید . خدا سوگندهای لغوشمارا بازخواست نمیکند خدا بآنچه دلهای شما کسب کرده بازخواست میکند . خدا آمرزنده و بردبار است . به آنها که سوگندی آورند تا از زنان خود کناره گیری کنند، مهلت چهارماهه است پس از آن اگر باز آیند که خدا در گذرنده ای مهربان است و اگر عزم طلاق نمودند، خدا شنوای دانا است . زنان طلاق داده شده، خود را در مدت سه پاکی نگه میدارند و روا نیست که آنچه در رحمهایشان آفریده شده مکتوم دارند . در این مدت اگر قصد اصلاح داشته باشند شوهرانشان سزاوارترند که آنها را بخود بازگردانند . و برای زنان حق شناخته شده است بسان آنچه بر آنانست و مردان را بر آنها يك گونه برتر است . و خداست عزتمند حکیم . آن طلاق دوبار است . پس از آن یا نگهداری با حق شناخته، و پارهائی با نیکی، و روا نیست که از آنچه با آنان داده اید چیزی را باز گیرید مگر آنکه بترسید از اینکه حدود خدا را بیاندازید در این صورت گناهی نیست درباره آنچه زن برای رهایی خود فدیة دهد . این حدود خداست که نباید از آن تجاوز کنید و آنها که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارانند . و اگر بار سوم آن زن را طلاق داد دیگر بر آن مرد حلال نیست، مگر آنکه آن زن شوهر دیگری گیرد . پس اگر شوهر دوم او را طلاق داد، گناهی بر آنان نیست که بهم باز گردند اگر گمان دارند که حدود خدا را بیامیدارند . این حدود خداست که برای دانشگرایان تبیین مینماید . و چون زنان خود را رها کردید و مدتشان سر رسید یا با حق شناخته نگاهشان دارید یا یکسر رهاشان کنید و آنها را بمنظور زیان رساندن و تعدی بحقشان نگه ندارید و هر که چنین کند بخود ستم روا داشته و آیات خدا را بیازی نگیرید و نعمت خدا را بیاد آرید و همچنین آنچه از کتاب و حکمت ، که شما را پند میدهد ، برای شما فرو فرستاده و از خدا پروا گیرید و بدانید که او بر هر چه دانا است . چون زنان را طلاق دادید و مدتشان سر آمد، آنها را سخت نگیرید و بازشان ندارید از اینکه به شوهری گیرند آن شوهرانی را که گزیده اند در صورتیکه با حق شناخته، در میان خود رضایت دهند . این پند را کسانی پذیرا شوند که بخدا و روز آخرت ایمان آورند . انجام این احکام، برای شما برومندی و پاکیزگی بیشتر آورد چه خدا میداند و شما نمیدانید .

از صفحه ۱۳۶ تا ۱۵۳

از آیه ۲۳۳ تا ۲۴۳ : مادران، نوزادان خود را دو سال کامل شیر میدهند اگر بخواهند شیر را تکمیل کنند و بر عهدہ پدران است روزی و پوشاک زنان شیرده - در خدمتعارف و توانائی . و نباید به مادر و پدری بسبب فرزندانشان زیان رسد . و ارباب نیز عهدہ دار همین مسئولیت می باشد . اگر پدر و مادر خواستند طفل را پیش از پایان دو سال از شیر باز گیرند گناهی بر آنان نیست در صورتیکه با رضایت آندو و مشورت باشد . و اگر خواستند برای فرزندان خود دایه گیرند باکی نیست آنگاه که آنچه باید بدایه دهند بنیکی دهند و باید از خدا پروا گیرند و خدا را ناظری بصیر بر کارهای خود دانند . زنهاییکه شوهرانشان وفات کنند، چهارماه و ده روز درنگ مینمایند و پس از پایان این مدت، در سر نوشت خود آزادند

در حد حق شناخته . و در این مدت گناهی نیست که با کنایه از آنان خواستگاری نمائید یا پوشیده دارید . و نباید مواعده پنهانی با آنها داشته باشید مگر با سخنی پسندیده . و عزم به عقد نکاح نکنید تا آن مدت پایان رسد و این را بدانید که خدا انگیزه‌ها و اندیشه‌های درونی شما را میداند و خدا آمرزنده و بردبار است . گناهی نیست در اینکه زنهای عقد شده را پیش از آمیزش یا مهر مشخص، طلاق دهید . و با آنان بهره‌ای دهید باندازه توانائی و حق شناخته و این بر نیکوکاران فرض است . و اگر طلاق دادید پیش از آمیزش در صورتیکه مهر معینی فرض کرده باشید، باید نصف آنرا بدهید مگر آنکه زنها خود چشم پوشند و یا آنها که عقد نکاح بدستشان است . چشم پوشی، بتقوا نزدیکتر است و نباید نیکی و نیکوکاری در میان خود را از یاد ببرید و خدا با آنچه می‌کنید بینا است . نگهدار و نگهدارونگهبان نماز باشید بخصوص نماز وسطی و فروتنانه برای خدا قیام کنید و اگر در حال ترس بودید نماز را پیاده و یا سواره انجام دهید و چون امنیت یابید، آنگونه که خدا بشما آموخته و خود نمیدانستید، خدا را بیاد آرید . مردانیکه در حال مرگند و همسرانی دارند، سزد که وصیت نمایند برای آنها بهره‌ای را تا یکسال و اینکه بیرون رانده نشوند و اگر خود بیرون رفتند بر شما مسئولیتی نیست و آزادند در آنچه درباره خود کنند در حد حقوق شناخته شده . و خدا عزیز حکیم است . برای زنان طلاق داده شده بهره‌ای میباید حتی در حد متعارف، بر متقیان است . اینگونه خدا آیات خود را تبیین مینماید تا شاید خردجو شوید .

از صفحه ۱۵۳ تا ۱۶۷

از آیه ۲۴۳ تا ۲۵۳ : به کسانی بنگرید که از دیارشان بیرون رفتند، از ترس مرگه و آنها هزارها بودند، پس خدا با آنان فرمان مرگه داد سپس زنده‌شان کرد چه خداوند رافضی بر مردم است، گرچه بیشتر مردم سپاسگزار نیستند . برای پیشبرد دین خدا جهاد کنید و بدانید که خدا شنو و دانای بسختان نهان و آشکارا و انگیزه‌های درونی شما است . آنها که سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در راه خدا میدهند، در واقع بخدا قرض میدهند که پس از آن آنرا چندین برابر می‌افزاید و باز میگرداند و خداوند همی قبض میکند و بسط میدهد و کمال میبخشد و بسوی او بازگردانده می‌شوند . به سران بنی اسرائیل پس از موسی باید نگرست که از پیمبرشان درخواست پادشاهی نمودند تا به زمامداری وی در راه خدا بچنگند . چون آن پیمبر در آمادگی آنان برای کارزار تردید نمود، گفتند با آنکه هستی ما از میان رفته و از دیار و فرزندانمان رانده شده‌ایم چرا نجنگیم ؟ ولی همینکه هنگام کارزار رسید جز اندکی همه روی گردانند . چون در میان خود ستم‌پیشه بودند و خدا باندیشه و عاقبت کار ستمکاران آگاه است . پیمبرشان گفت : که خدا طالوت را به شاهی برای شما برانگیخته . گفتند چگونه او را بر ما شاهی باشد ؟ با آنکه ما شایسته‌تریم بان و او را مال و آفری نیست . آن پیمبر گفت که خدا ویرا گزیده و افزوده است او را در علم و جسم و خدا بر طبق مشیت حکیمانه‌اش . فرمانروائی را بهر که خواهد میدهد چون علمش فراگیرنده و نافذ است . پیمبرشان گفت که نشانه فرمانروائی طالوت این است که تابوت بشما بر می‌گردد که در آن آرامشی است از پروردگار شما و بجامانده‌ای از آنچه آل موسی و آل هارون واگذارند، آنرا فرشتگان حمل میکنند این آیه، برای کسانی

از شما میباشد که ایمان دارند . پس همینکه طالوت سپاهیان را از میان مردم جدا کرد و همراه خود بسیج نمود ، گفت : می‌آزماید شما را خدا به جوئی ، پس کسانیکه یکسرا از آن بیاشامند ازمن نیستند و آنها که هیچ از آن نچسبند ازمن میباشند و آنها که از آن کفی آب نوشند ازهر دو گروه جدایند . پس جز اندکی از آنان ، همه از آن جوی آشامیدند . و همینکه طالوت و کسانیکه با او ثابت ماندند از نهر گذشتند و با دشمن روبرو شدند گفتند امروز ما را توان جنگ با جالوت و سپاهیان نیست . و آنها که گمان داشتند که خدا را ملاقات کنند ، گفتند : چه بسا گروه اندکی که باذن خدا بر گروه بسیاری جبره می‌شود و خدا باشکیبایان است . و همینکه روبرو شدند با جالوت و سپاهیان ، گفتند : پروردگار ما ! لبریز کن بر ما شکیبائی را و ثابت بدار قدمهای ما را و یاری و پیروزی ده ما را بر کافران . پس شکست دادند سپاهیان جالوت را و داود جالوت را کشت و خداوند بوی فرمانروائی و حکمت و دیگر فضیلتها داد . و اگر این قانون نبود : که خدا مردمی را ، با برانگیختن مردم دیگر دفع میکند ، زمین را فساد می‌گرفت ولی او خداوند فضل است که فضلش را بر جهانیان میگستراند . این آیات خدا است که بر توای پیغمبر همی خوانیم و گواه این حقیقت است که از فرستادگان خدائی . از صفحه ۱۶۷ تا ۱۹۴

از آیه ۲۵۴ تا ۲۶۱ : این پیغمبران عالیقدرند که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد با بعضی خدا سخن گفته و درجات بعضی را بالا برده و به عیسی بن مریم بینات داده و او را بوسیله روح القدس تأیید کرده . با همه اینها آنها که پس از این پیغمبران بودند با آن بینات ، نبایستی بجنگ و ستیزه در آیند ولی خدا نخواست و مختلف شدند . بعضی ایمان آوردند و بعضی بکفر گرائیدند . این مشیت حکیمانه و جاری خدا است و بر طبق آن ، آنچه خواهد میکند . آنها که ایمان آورده‌اند باید از آنچه روزی داده شده‌اند انفاق کنند ، پیش از آنکه روزی رسد که در آن نه دادوستدی و نه دوستی صمیمانه‌ای و نه شفاعتی است و کفر پیشگان همان ستمکارانند . خدا ، همان خداوندی که جز او خدائی نیست ، پس زنده و پایدار و نگهدار است ، او را نه پینکی میگیرد و نه خواب ، برای او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است ، کیست آنکه در پیشگاهش شفاعت کند مگر باذنش ، میداند آنچه در پیش دارند و آنچه پشت سرشان است ، احاطه نمی‌یابد بجیزی از علمش مگر با آنچه خود خواهد ، فرا گرفته است کرسی فرمانش آسمانها و زمین را ، و خسته نمیکند او را نگهداری آنها و او برترین و عظیم است . هیچ اکراهی در دین نیست ، رشد از گمراهی بس خدا و آشکارا گشته ، پس آنکه به طاغوت کفر ورزد و بخدا ایمان آرد بدست آویز استوارتری آویخته که گسیخته نشود ، همان خدای بس شنوا و دانا ، خدا سرپرست و کارگذار کسانیست که ایمان آورده‌اند ، آنها راهمی از تاریکی‌ها بسوی نور میبرد . و کارگذاران آنها که بکفر گرائیدند طاغوت است که از نور بسوی تاریکیها میبرد . و همینها یاران آتشند و در آن جاودان . به منطق طاغوتی بنگرید - که با ابراهیم درباره پروردگارش احتجاج نمود از اینرو - که در مینه علل اجتماعی - خدا بوی ملکی داده بود : ابراهیم گفت : پروردگار من همانست که همی زنده میکند و میمیراند . او گفت منم زنده میکنم و میمیرانم . ابراهیم گفت : خداوند آفتاب را از مشرق برمی‌آورد . پس تو از مغرب بر آوری . پس آن کافر کیش بهت زده شد !

چه خداوند مردم ستمکار را رهبری نمی‌کند. یا چون کسیکه برده‌های گذشت که یکسر ویران و تهی شده بود، گفت: چگونه و کی این را خدا زنده میکند، پس از چنین مرگی؟ پس خدا او را صدسال میراند. سپس برانگیخت و باو گفت: چندی درنگه یافتی؟ او گفت: روزی یا بعض روزی. گفت: نه، بلکه صدسال درنگ نمودی: پس بنگر به خوراک و آب که دگر گون نگشته و بنگر به الاغت و تورا نشانه‌ای برای مردم میگردانیم. و بنگر - به آن استخوانها که چگونه آنها را برمی‌آوریم و پیوند میدهیم سپس آن را بگوشت میپوشانیم. پس همینکه برایش تبیین شد، گفت میدانم که خدا بر هر چیزی توانا است. و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا بمن نشان ده که چگونه زنده میکنی مردگان را؟ پروردگارش باو گفت: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت آری! ولی میخواهم قلبم مطمئن شود. گفت: برگیر چهار گونه پرند را، سپس آنها را بسوی خود متمایل و آموخته ساز، آنگاه از هر یک از آنان جزئی را بالای کوهی قرار ده، سپس آنها را بسوی خود بخوان! تا بنگریکه شتابان بسوی تو رهسپار می‌شوند و بدان که خدا عزیز حکیم است.

از صفحه ۱۹۳ تا ۲۲۶

ز آیه ۲۶۳ تا ۳۷۵: نمودار آنانکه انفاق میکنند در راه خدا، بدان دانه‌ایست که هفت سنبل برویاند و در هر سنبل صد دانه باشد. و خدا برای آنکه بخواهد همی میافزاید چه خدایا قدرتی فراگیرنده و اوبس دانا است. آنها که اموال خود را در راه خدا انفاق کنند و در پی آن، منت و آزاری نیاورند، پاداشیکه از آن خودشان میباشد، نزد پروردگارش دارند و دیگر نه ترس دارند و نه اندوهگین می‌شوند گفتاری نیکو و چشم‌پوشی، بهتر از صدقه‌ایست که در پی آن آزاری باشد چه خدا بی‌نیاز بردبار است. آنها که ایمان آگاهانه دارند، نباید صدقه‌های خود را بسبب منت و آزار باطل کنند و مانند کسانی باشند که مال خود را با ریاکاری میدهند و ایمان بخدا و آخرت ندارند. داستان اینگونه مردم مانند سنگ صاف و لغزانیست که بر آن اندک خاکی باشد و باران تندی بر آن زند و سخت و خشک بجای ماند، اینها از آنچه کسب کرده‌اند چیزی دریافت نمیدارند و خدا کافران را هدایت نمیکند. و داستان کسانی که اموالشان را برای دریافت خوشنودی خدا و استواری نفوس خود انفاق میکنند، همانند باغی میباشد که در پشته‌ای باشد و باران تندی بآن رسد که بهره‌اش را چند برابر برویاند. و اگر باران تندی آنرا نرسد همان شبنم آنرا پس است چه خدا با آنچه میکنید پس بینا است. آیا کسی دوست میدارد که برایش باغی باشد بامیوه‌های گوناگون که حویها در آن جاری باشد و خود بدوران پیری و ناتوانی رسد و فرزندان ناتوانی داشته باشد و ناگاه گردباد سوزانی آن باغ را بزند و بسوزاند؟! اینگونه خدا آیات خود را برای شما تبیین مینماید تا شاید بیاندیشید. کسانی که آگاهانه ایمان دارند باید انفاق کنند، از پاکیزه‌های آنچه کسب کرده و آنچه از زمین بر آورده شده است و نباید برای انفاق، از چیزهای پست و بی‌ارزش گزینند که خود با چشم‌پوشی آنرا می‌پذیرند و بدانند که خدا پس بینای بردبار است. آنکه هنگام انفاق، از بینوائی بیم میدهد و پنهانش و امیدارد، همان شیطان است. و خدا نوید مغفرت و فضل خود را میدهد و خدا فضلش واسع و خود دانا است. حکمت را بهر که خواهد میدهد و هر که حکمت را یابد خیر بسیاری

دریافته و جز اندیشمندان، آگاه نمی‌شوند. و آنچه انفاق و یا نذر کنید خدا آن را میداند و آن‌ها که امساک کنند و یا به ربا و مودیانه انفاق نمایند ستمکارانند و ستمکاران یآوری ندارند. اگر صدقات، آشکارا داده شود نیک است و اگر نهانی به بینوایان داده شود بهتر است و گناهان را می‌زداید چه خدا با آنچه عمل کنند پس آگاه است. آنچه بر پیمبر است رهنمائی مردم است نه راه‌یابی آنان، آن خدا است که هر که را خواهد راه‌یاب مینماید. پس از انفاق به مستحق نمی‌باید دریغ شود، چه هر چیزی که انفاق شود بسود خود انفاق کننده است که پیجوی خوشنودی خدا می‌باشد و بصورت کاملتری بوی باز می‌گردد و کم‌وکاستی ندارد. صدقه‌ها و انفاقها، از آن بینوایانیست که در راه خدا محصور شده و توان کوشش برای روزی ندارند. همان مردمی که چنان با عفت و خودداری که ناشناسان آن‌ها را بی‌نیاز مینمایند و از چهرشان میتوان آن‌ها را شناخت و با سماجت از مردم درخواست نینمایند. و هر چیزی در این راه انفاق کنند خدا بآن پس دانا است. آن‌ها که اموال خود را در شب و روز و نهان و آشکارا انفاق کنند پاداششان در پیشگاه پروردگارشان است و ترس و اندوه ندارند.

از صفحه ۲۲۶ تا ۲۴۸

از آیه ۲۷۶ تا ۳۸۵: آنها که بجای انفاق بخلق، ربا می‌خورند بپا نمی‌خیزند مگر مانند کسی که تماس شیطانی و پرا با شفتگی دچار ساخته، این آشفتنگی روحی از آن جهت است که بیع مشروع را مانند ربا مینمایند با آنکه خدا آن را حلال و این را حرام نموده، پس آن رباخواران که فرمان پندآمیز خدا را دریافته و از رباخواری باز ایستند، گذشته از آن آنها و کارشان با خدا است و آنها که به رباخواری بازگردند همان یاران آتش و در آن جاودانند. خدا ربا را روبرتاریکی و نیستی میبرد و همی‌افزاید صدقات را، چه خدا هیچ ناسپاسگر تبهکار را دوست نمیدارد. آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دهند و نماز را بپا دارند و زکات دهند، پاداش خود را نزد پروردگارشان دارند و دیگر نه ترسی بر آن‌ها است و نه اندوهگین می‌شوند. آنها که ایمان آورده‌اند باید از خدا پروا گیرند و بازمانده از اموال ربوی را واگذارند اگر ایمانشان پایه‌ای دارد. و اگر ربا را وانگذارند باید آماده‌باش دهند، به کارزاریکه از سوی خدا و پیمبرش آغاز شده و اگر توبه کنند برای آنها است سرمایه‌هاشان که نه‌ستم کنند و نه‌ستم شوند. و اگر بده‌کار، در تنگی باشد مهلتی باید تا گشایشی یابد و اگر آن وام را صدقه محسوب دارند بهتر است اگر این را دریابند. باید پروا یابید از روزیکه در آن بسوی خدا رجوع داده شوید و باز یابد هر کسی آنچه را فراهم ساخته و هیچ ستم نشوند. گروه مؤمنین، چون در میان خود به‌وامی داد و ستد کنند که مدت معینی داشته باشد باید بنویسند و ثبت کنند و در میان آنان نویسنده‌ای باشد که بعد ثبت نماید و نباید کاتب از این مسئولیت سر باز زند و باید بر طبق احکام خدا بنویسد و بده‌کار املاء نماید و کم‌وکاستی نکند و اگر بده‌کار سلفه یا ناتوان در اندیشه و یا املاء باشد، ولی او باید املاء کند و باید در ثبت و املاء، دو گواه از مردان مؤمن آورند و اگر نبود، يك مرد و دوزن که بآن‌ها رضایت دهند تا اگر یکی از دوزن شاهد، از شهادت بحق منحرف شد و یا از پاداش رفت دیگری بی‌آورد. و گواهان نباید از گواهی سر باز زنند و نباید در نوشتن، کم‌وبیش را نادیده گیرند، اینگونه ثبت

و گواهی، دادگرانه تر و پایدارتر و بیشتر مانع شك و بدبینی در میان مجتمع ایمانی می باشد. و اگر دادوستدی نقد و دست بدست در میان بود، ثبت نکردنش باکی نیست. و چون دادوستدی ارزش دار باشد گواه داشته باشید. و نباید به کاتب و شاهد، رنج و زیانی رسد که این موجب ناسامانی و بیرون رفتن از حدود است. و از خدا پروا گیرید و همان اوست که شما را می آموزد و بهر چیزی بس دانا است. و اگر در سفر بودید که کاتبی نیافتید، در برابر وام گروگان دریافت دارید. و اگر به امانت دریافتید آن را در زمانش بازگردانید و از خدا پروا داشته باشید و گواهی را کتمان نکنید که این کتمان، از گناهکاری قلب است و خدا بهر چه می کنید آگاه است. برای خدا است آنچه در آسمانها و زمین است چه آشکارا کنید آنچه در درون نفوس خود دارید و یا پنهان نگهدارید، آن را بحساب می آورد و بازخواست میکند پس آن را که خواهد می آمرزد و آن را که خواهد عذاب میکند و بهر چیزی توانا است

از صفحه ۲۴۸ تا ۲۷۴

آیت ۲۸۶ و ۲۸۷: پیمبر آنچه با او از جانب پروردگارش نازل شده خود ایمان آورده و همچنین همه مؤمنان، بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیمبران او ایمان آورده اند و بزبان ایمانی گویند: ما در میان هیچیک از پیمبران خدا جدائی نمی اندیشیم و شنیدیم و فرمانبریم، پروردگارا! آمرزش تو را میجوئیم و بسوی تو است بازگشت نهائی. تکلیف نمیکند خداوند کسی را مگر باندازه توانائیش. برای اوست آنچه از خیر و نیکی کسب کرده و بر اوست آنچه از شر و بدی فراهم کرده. پروردگارا! مؤاخذه نکن ما را به آنچه از پادمان رفته و یا بخطا انجام داده ایم و بر ما حمل مکن تعهدات و تکالیف سنگین را، انسان که به پیشینیان حمل کردی. پروردگارا! و تحمیل مکن به ما آنچه را که توان آن را نداریم. بگذراز ما و پیامرزم را و رحم آر ب ما، توئی سرپرست ما پس یاری ده ما را بر گروه کفرکیشان.

از صفحه ۲۷۴ تا ۲۸۳

www.KetabFarsi.com

پرومی از فیران

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لله الحمد و على محمد وآله الصلوة والسلام

جزء اول قرآن از سورة حمد شروع شده - که بصورت جامع اصول توحید و مسیر نهائی - و راه مستقیم انسان را برای رسیدن بمقام شایسته اش بیان مینماید . پس از آن - سورة بقره از تعریف و امتیاز خاص قرآن و تقسیم نفوس در پرتو آن و عاقبت هر گروهی ، آغاز شده - و آیات بالحنها و موجهای متنوع همی پیش میرود - اعجاز و نقش قرآن - و مسؤولیت انسان و رابطه او با جهان - راز آفرینش و موطن اولی خلیفه زمین و موجبات هبوط و طریق و انگیزه های صعود - سپس خطاب به بنی اسرائیل - نعمتهای نبوت و شریعت و زندگی سراسر نشیب و فراز و پر ماجرا - انحرافها - موضع گیری در برابر دعوت اسلام - در این میان چهره نخستین منادی توحید و پدر پیامبران ابراهیم در ساختمان بیت الحرام نمایان میگردد با آنچه میگوید و میاندیشد و درخواست دارد .

جزء دوم قرآن از آیه ۱۴۳ - «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ . . . » است و آیه بعد - که در جلد اول این کتاب « پرتوی از قرآن » آمده تا نومسلمانان را برای

تحول قبله که مبنای تحول روحی و اجتماعی است آماده نماید - و حکمت و اسرار آن را بنمایاند و رسالت و مسئولیتی که دارند بشناسند و در برابر فتنه‌ها و برخوردها خود را نوازند - : اینها که تحویل قبله را از بیت المقدس بسوی کعبه وسیله ایجاد شکوک و تشویش افکار مسلمانان ساخته‌اند، سبکسران و بیمایگانند - از حقیقت توحید و اصل دعوت و ملت ابراهیم روی گردانده‌اند . « و من یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه ... » - تا « سیقول السفهاء من الناس ما ولی عن قبلتهم التي كانوا علیها... » . انحراف و جمود اندیشه آنها را بسته و محدود نموده که خدا را محدود بزمان و مکان و قبله قومی خود و اسلام را هم پیوسته بآئین نژادی خود ، یا در بنی اسماعیل یا عرب می‌پنداشتند : « قلبه المشرق و المغرب . . . » - این سمتگیری برای آن نیست که خداوند مشرق و مغرب - محدود گشته، اصل آن برای هم‌آهنگی روح و جسم - و تحول آن برای رهائی از مرز قومی و جمود است - تا امت وسط شوند و با تحرك روحی و پیشرفت در راه مستقیم و تربیت اسلام ناظر بهمه جهات و شاهد بر دیگر مردم گردند و پیوسته نظر بشاخص عالی که رسول است داشته باشند - « و كذلك جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً » .

قبله نخست بسوی بیت المقدس امتحانی برای مسلمانان بود - تا معلوم و محقق شود که چه کسانی از جمود و عادات و تقالید رسته و پیروی از رسالت مینمایند و چه کسانی به عقب که همان عادات و تعصب‌های جاهلیت است بر میگردند - بر اینها روگرداندن از کعبه که بصورت افتخارات قومی در آمده بود - پس گران می‌آمد - و می‌بایست این افتخارات شکسته شود و مانند اهل کتاب نشوند که بیت المقدس را به صورت مفاخر قومی و انحصار نژادی در آورده‌اند - تا ایمان خالص در نفوسشان شکل گیرد : « و ما جعلنا القبلة التي كنت علیها الا لنعلم من یتبع الرسول ممن ینقلب علی عقبيه و ان كانت لكبيرة الاعلی الذین هدی الله - و ما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لرؤوف رحیم » .

اینك جزء دوم این کتاب «پرتوی از قرآن» - از آیه ۱۴۵ - که فرمان تحول قبله

است شروع میشود .



گاهی می‌فکریم : بهر سو گردانند رویت را در آسمان . پس همانا برمیگردانیم تورا به قبله‌ایکه خوشنود شوی بآن . پس اکنون بگردان . رویت را بجانب مسجدالحرام . و هر جا باشید شما بگردانید روی‌های خود را بجانب آن . و همانا کسانیکه بآنها کتاب داده‌شده نیکو میدانند که آن حق است از جانب پروردگارشان . و خداوند هیچگونه غافل نیست از آنچه میکنند .

اگر برای کسانیکه بآنها کتاب داده شده هر گونه نشانه‌ای بیاوری از قبله تو پیروی نمیکنند تو هم پیرو قبله آنان نیستی و بعضی آنها هم پیرو بعضی دیگر نیست . و اگر تو از هوسهای آنها پیروی کنی پس از آنچه تورا آمده از علم آنگاه تو از ستمکارانی .

کسانی که بآنها کتاب دادیم می‌شناسند آن را آنچه‌انکه پسران خود را می‌شناسند . و گروهی آنها هستند که همانا حق را کتمان میدارند و حال آنکه میدانند .

حق همانست که از جانب پروردگارت آمده پس مباش از شک یا بان .

و برای هر کس و هر گروه وجهه‌ایست که او گرداننده بآنست پس پیشی گیرید بخیرات . هر جا که باشید خدا همگی شمارا می‌آورد . براستی خداوند بر هر چیزی توانا است .

و از هر جا و هر گاه بیرون آمدی پس بگردان رویت را سوی مسجدالحرام و آن بی‌چون حق است از جانب پروردگار تو و خداوند ناآگاه نیست از آنچه میکنید .

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴۴﴾

وَلَيْنَ آيَاتِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَيْنَ آيَاتِ أَهْوَاءِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۵﴾

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ وَإِنِ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۱۴۶﴾

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْتَبِينَ ﴿۱۴۷﴾

وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلَانَهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ؕ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۴۸﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۴۹﴾

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ كَوِّلْ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ
يَسْتَلِمُوا إِلَيْنَا مِمَّا حَيْثُ كُنْتُمْ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا
وَهُمْ فَلَا يُخْشَوْنَ وَالْأَخْيَارَ وَخِشَوْنِي وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ
وِزْرَ أُخْرَىٰ وَأَعَلُّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٢٠٢﴾

وازهرجا وهرگاه بیرون آمدی پس بگردان
رویترا جهت مسجدالحرام وهرجا بودید
پس بگردانید روی‌های خود را سوی آن تا
مردمرا بر شما حجتی نباشد: جز کسانی از
آنها که ستم پیش گرفتند. پس نیاندیشید از
آنها و ازمن بیاندیشید و تا نعمتم را برای
شما کامل نمایم و باشد که شما راه یابید.

شرح لغات :

تقلب : سخت زیروزبر شدن، و خود بهر سو گشتن . هیئت تفعل پذیرش یا تکلف را
میرساند .
قبله : جهت و جائیکه بآن روی آرند. حال و هیئت روی آوردن بچیزی - چون جلسه .
شطر : سوی ، جهت ، نیم ، نیم از چیزی که متصل باشد .
معتز : از امتراء : شك پذیری ، دوشیدن شیر ، دست کشیدن بحیوان تا آرام شود .
وزش باد به ابر تا باران آید .

قد نرى قلب وجهك في السماء : حرف قد بقرینه مقام تکثیر را میرساند - و
هیئت فعل تقلب (تفعل) دلالت بر معاوغة (پذیرش) فعل دارد: بسیار مینگریم بهر سو
گشتن روی نورا در اطراف و آفاق آسمان . این بیان، بی تابی و شدت انتظار آنحضرت
را مینمایاند تا وحیی نازل شود و قبله همیشگی مسلمانان را مشخص گرداند . انتظار
برای تعیین و تحول قبله از سال دوم آغاز شد و گویا مدتی آنحضرت در این حال انتظار
بسر میبرد و گاه بیگانه می به آسمان روی می آورد و اندیشه خود را به آفاق باز متوجه
مینمود و آماده بر توحی بود و سخنی بزبان نمی آورد و اظهار نظری نمی نمود .

اگر این آیه با فاصله از آیات سابق که اشارات و بشاراتی بتحول قبله دارد، نازل
شده باشد ، روی آوردن با آسمان - تقلب وجهك في السماء - از هنگام نزول همان آیات
بوده. شاید منشأ این انتظار و بی تابی، وحی ضمیر آنحضرت بوده و پیوسته شدت می یافت.
زیرا پیمبران پیش از وحی صریح الهی اصول احکام را با جمال از وحی ضمیر و فطرت
خود در می یافتند .

با توجه باینکه گویند : پیش از هجرت ، آنحضرت چون بنماز می ایستاد روی

• به کعبه یا صخره (حجرالاسود) و بیت المقدس می آورد - و پس از هجرت چون چنین جمعی ممکن نبود و کعبه و بیت المقدس در دو سمت متقابل بود، یا باید بکعبه قبله ابراهیم و محل الهام توحید و قیام برای خدا، روی آورد یا بسوی بیت المقدس قبله در بست پیمبران بنی اسرائیل و مرکز قدرت و سلطنت آنها. و چون روی آوردن به بیت المقدس بفرمان صریح وحی نبود - پس از هجرت، آنحضرت در انتظار رسیدن وحی صریح بسر می برد.

قبله الهام بخش تفکرها و هدفها و امیدها و دعوتها و تعالیم است. بیت المقدس خانه قدس و عبادت و انعکاس پدیده وحی و نبوت و نداها و کوششهای پیمبران است این مکان و حوالی آن درهای تعالیم آنها را می گشاید و مقدمه و زمینه تکمیل آن را فراهم می نماید تا ظهور آخرین و کاملترین که مصدق آنها باشد. سپس همه این مسائل و الهامات در حدود اندیشه های نژادی بنی اسرائیل و مرزبندیهای آنان محدود گردید.

آنگاه که پیمبر اکرم و مسلمانان گزیده به مدینه هجرت کردند - اصول رسالت اسلام و پیوستگی آن با رسالتهای گذشته ابلاغ شده بود و انذار و دعوت آنحضرت از حدود خانواده - و اندر عشرتک الاقرین - و اهل مکه - لتندرام القرى ومن حولها - و عرب توسعه می یافت.

و باید بهمه مردم دنیا ابلاغ شود و باید آئین جهانی و وسط او بردیا بر موافقت و خود ناظر و گواہ باشد و همچنین امت اسلامی - كذلك جعلنا کم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً - پس از این، قبله الهام بخش و جانب اسلام نمیتوانست بیت المقدس باشد که محدود به مرزها و الهامات و تعالیم قومی بود :
فلنولينك قبله ترضيها - جمع بسیار مؤکد و متکلم و هیئت - فلنولينك - جاذبه شدید قبله سابق و شدت و عنایت به قبله دیگر را مینمایاند. و تعریف قبله، همین به فعل - ترضيها - إشعار باین دارد که قبله سابق با همه جاذبیتی که خود دارد، نمیتواند برای همیشه تورا خوشنود بدارد. آن قبله باقدسی که دارد در میان مرزهای نژادی محدود گشته و بانصب شدید برتری نژاد پای آن خوبها ریخته شده و اکنون هم

جاریست . چنین قبله با آئین رحمت و مردمی اسلام جور در نمی آید .
 اکنون که اسلام در مدینه پایه و شکل گرفته و مسلمانان بصفوف منظم جماعت و
 جمعه در آمده اند و آیات جهاد نازل میشود باید قبله آنها برای همیشه مشخص گردد
 تا در شبانه روز و تشکیل صفوف با نسوی روی آرند و خود را آماده ابلاغ رسالت و
 رفع موانع نمایند . چنین قبله ایست که او را خوشنود میدارد و هر چه مسلمانان در
 اطراف زمین پراکنده شوند و افزایش یابند ، باید با روی آوردن بچنین قبله ای مشخص
 گردند و خوشنودیش افزایش یابد : قبله ترضیها . این خوشنودی راجع بعلاقه شخصی
 آنحضرت به خانه موروثی ابراهیم و دیگر پدرانش نبود . زیرا روح رسالت و وحی
 برتر از آنست که تحت تأثیر چنین علاقه های واقع شود .

قول وجهك شطر المسجد الحرام - پس از آیاتیکه زمینه فکری و اسرار تحول
 را بیان نمود ، آن پیشگیری و انتظار وی تابی و وعده : فلنولينك ، این فرمان آمده :
قول وجهك . وجه روی ظاهر و روی قلب است - نخست باید قلب بسوئی روی آرد
 آنگاه روی ظاهر .

شطر المسجد ... بجای الی المسجد ، ارائه ناحیه مسجد الحرام است زیرا جز
 برای اطرافیان بیت محاذات کامل و توجه بخط مستقیم امکان ندارد . تعبیر - المسجد الحرام ،
 نیز اشعار به بیت و حریم هر دو دارد - محل خضوع و تسلیم به خدا و حریم او - آنجا که
 تذکرها و سنن و احکامش انسان را از درون اندیشه و خوی ، خلع سلاح مینماید و غرائز
 و عاداتیکه منشأ سلاحها و جنگهای سرد و گرم است محدود میکند و فطرت حق پرستی
 و تفاهم و خیر بیدار و فروزان میشود - نه شخص را با خصوصیات شخصی مینمایاند و
 نه قومی را با امتیازات نژادی و نه قدرت و اراده ابراهیم را جز اراده خداوند ، ابراهیم را
 از خلال بنا و مقرراتش مینمایاند ولی با خضوع و تسلیم کامل و در حالیکه «ربنا» بزبان
 دارد : «ربنا واجعلنا مسلمین لك...» آنجا نه قبله قبله گاهان خود پرست و قدرت طلب
 است و نه چون مسجد الاقصی ، عبادتگاهش آمیخته با فرمانروائی ملوک بنی اسرائیل
 و برتری قومی آنان . و نه چون مطلع الشمس فروغ پرستان است تا تجلی خداوند را در
 سیاره جامد و محدودی بنگرند که در افقی میدرخشد و از افقی روی می تابد و هیچ

رازی از حیات و زندگی فرد و اجتماعی بشر را نمی‌گشاید و چشم‌انداز تکاملش را مسدود مینماید .

اگر توحید و تسلیم و اراده خداوند و آئین ازلیش می‌بایست در قالب جسمانی ملموس و محسوس درآید تا پیوسته انسان را هشیار نگهدارد و بنخود آرد و فرد و اجتماع و جسم و روح را هم آهنگ جذب نماید. باید در هر حال و هر جا ، از هر چه روی گرداند و به مسجد الحرام روی آرد :

وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره - پس از امر: فولوا وجهك كه راجع به شخص رسول اکرم (ص) است، این امر جمعی با اضافه - وحيث ما كنتم، متوجه به عموم پیروان میباشد. وحيث ما، اعم از مکان «اینجا» و شامل زمان و حالات است. كنتم، جای باز کردن و پایه گرفتن همیشگی مسلمانان را مینمایاند برای رسالت متحرك و گسترش یابنده امت اسلامی. فعل - فولوا، كه متضمن روگرداندن و روی آوردن است و تکرار آن در این آیات بصورت‌های متنوع - نولينك، فول، فولوا، موليها - دلالت بدو حرکت منفی و مثبت دارد. نخست خود را از هر جاذبه‌ای رها نندن و از هر قبله و مرکز قدرتی روی گرداندن سپس روی آوردن بناحية مسجد الحرام .

مسلمانان در هر جا متمکن شدند - حيث ما كنتم - و در هر شبانه روز و مفاصل حیات و هنگام نماز و ذبح و مرگ و قبر، باید از جاذبه‌های جوامع غافل یا اغفال شده و هر قبله و هر جبهتی خود را برهاند و بسوی مسجد الحرام با همه الهامات فکری و حقوقیش روی آرند تا مجذوب و خود باخته هدفها و ایده‌های دیگران نگردند و استقلال فکری و عقیده‌ای و برتری و وظیفه رسالت، و نظارت خود را بر دیگران نگهدارند - كذلك جعلناكم امة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس . و چون مجموع مسلمانان كه در اطراف زمین جای میگیرند بهمه جهات مشرق و مغرب و جنوب و شمال روی می‌آورند، از توجه بجهت خاص - مشرق یا مغرب - و جمود بآن نیز آزادند و وجه خدا را در همه جهات مینمایانند : **اوله المشرق والمغرب** اینما تولوا فثم وجه الله - و چون همه در هر جا به مسجد الحرام و الهامات آن روی می‌آورند باید وحدت فکری و عقیده خود را بنمایانند و به پیروی از رسالت پیشرو، هر گونه ارتجاع و عقب‌گرد را نفی نمایند: **«لنعلم من يتبع**